

The political biography of Imam Ali (AS) in Ghadiriyyeh's sermon

Amir Momenan Ali (AS) is a figure that all the great men of Islam, including Shiites and Sunnis, and even scholars and scientists. Various nations and religions have spoken and written about his virtues and virtues; But the expression of these virtues of language. The Lord of the Universe, the great Prophet of Islam, has a special place that shows his greatness and high position. One of the important places where these virtues and virtues have been expressed by the Holy Prophet (PBUH) is the day of Ghadir, which The Holy Prophet (PBUH) while introducing the Commander of the Faithful (AS) as his successor, enumerated them in a long speech; This The article intends to identify and analyze the principles of the Alawite biography, which corresponds to the prophetic biography. The Lord of the Universe, the great Prophet of Islam, has a special place that shows his greatness and high position. One of the important places where these virtues and virtues have been expressed by the Holy Prophet (PBUH) is the day of Ghadir, which The Holy Prophet (PBUH) while introducing the Commander of the Faithful (AS) as his successor,

سیره سیاسی امام علی (ع) در خطابه غدیریه

حسین رحمانی تیرکلاپی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۷

چکیده

امیرمومنان علی (ع) شخصیتی است که تمام بزرگان اسلام اعم از شیعه و اهل سنت و حتی عالمان و دانشمندان ملل و مذاهب مختلف درباره فضایل و مناقب او سخن رانده‌اند و کتابها نوشته‌اند؛ اما بیان این فضایل از زبان سرور کائنات پیامبر عظیم الشان اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد که نشان دهنده بلندای وجودی و مقام شامخ او است. یکی از جایگاههای مهمی که این فضایل و مناقب از زبان پیامبر اکرم (ص) بیان شده است روز غدیر است که پیامبر اکرم (ص) ضمن معرفی امیر مومنان (ع) به جانشینی خود، در خطابه ای طولانی آنها را برمی‌شمرد؛ این نوشتار برآن است با بررسی اصول سیره علوی که منطبق بر سیره نبوی است، را شناسایی و تحلیل کند.

کلید واژه‌ها: قرآن، حق، ولایت، هدایت، نصرت،

^۱دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

سخن راندن پیرامون ابعاد شخصیت امیرمؤمنان علی (ع)، در قد اندیشه هر انسانی نمی‌گنجد کسی که در باره خود می‌فرماید: «نَحْدِرُ عَنِّي السَّبِيلُ وَلَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ» (نهج البلاغه/ خ ۳) اندیشه‌های بلند و افکار ژرف به بلندای وجود من نمی‌رسد؛ چون او بگفته امام راحل دارای ابعاد بسیار و مظهر اسم جمع الهی است:

«این بزرگوار شخصیتی است که دارای ابعاد بسیار است و مظهر اسم جمع الهی است که دارای تمام اسماء و صفات است تمام اسماء و صفات الهی در بروز و در ظهور، در دنیا و در عالم، با واسطه رسول اکرم (ص) در این شخصیت ظهور کرده است.» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱۹، ص ۶۰) امام علی (ع) دست پرورده رسول ختمی (ص) است، جلوه تام خلق عظیم و رحمة للعالمین است. او را فقط خدا و پیامبر (ص) می‌شناسند، اوست که علی (ع) را در دامان خود پرورده و این قله عظمت و شرافت و انسانیت را درک می‌کند. علی (ع) را باید از زبان مربی او شناخت، او باید بگوید که علی (ع) کیست، اندیشه‌های کوتاه انسان‌های دیگر به بلندای وجودی او نمی‌رسد، باید نشست و گوش جان سپرد به کلام نبوی، که در مورد سیره علوی چه می‌گوید علی (ع) را چگونه دیده است و چگونه توصیف می‌کند و آنجا که می‌فرماید: «علی مع الحق والحق مع علی» (ری شهری، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۴۲؛ ری شهری، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۱۳۸؛ کوفی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۴۲۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۲۶۰) چه مطلبی را بیان می‌کند، مکتب پیامبر (ص) چگونه مکتبی است که شخصیت‌های بزرگی همچون علی بن ابیطالب (ع)، تربیت شده این مکتب هستند، امام خمینی (ره) درباره اینکه عارفان و فیلسوفان و اهل فضیلت و دانشمندان نه انسانهای عادی، نمی‌توانند ابعاد وجودی مولا علی (ع) را دریابند چنین می‌فرماید:

«دانشمندان و اهل فضیلت و عارفان و اهل فلسفه با همه فضائل و با همه دانش ارجمندشان، آنچه از آن جلوه تام حق دریافت کرده‌اند در حجاب وجود خود و در آینه محدود نفسانیت خویش است و مولا غیر از آن است. پس اولی آن است که از این وادی بگذریم و بگوییم علی بن ابیطالب فقط بنده خدا بود و این بزرگترین شاخصه اوست که می‌توان در او یاد کرد و پرورش یافته و تربیت شده پیامبر عظیم الشان است و این از بزرگ‌ترین افتخارات اوست.» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ش اول، ص ۱۵)

پس مولا علی (ع) را فقط پیامبر (ص) که مربی اوست می‌شناسد و فقط پیامبر (ص) می‌تواند درباره او سخن براند و او را معرفی کند. ما در این سیاهه، فرازهایی از سخنان پیامبر اکرم (ص)، در خطابه غدیر را درباره مولا امیرمؤمنان (ع) بررسی می‌کنیم و امیدواریم با تاسی و عمل به سیره نبوی از طریق سیره علوی «أنا مدينة العلم وعلی بابها» (صدوق، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۱۰؛ حرانی، ۱۴۰۴: ص ۴۳۰؛ عاملی، ۱۰۳۳: ج ۱۸، ص ۲۰) جهان اسلام بتواند گام‌هایی بلند در راه حکومت جهانی اسلام که به دست صاحب اصلی آن حضرت ولی عصر (عج)، تحقق خواهد یافت، بردارد.

الف) حق‌گرایی و باطل‌ستیزی

امام علی (ع) نه تنها پرچمدار حق و حقیقت است بلکه همواره حق با اوست و از او جدا نمی‌شود و به گفته جرج جرداق مسیحی اگر همه جهانیان به عداوتش برخیزند، او از مسیر حق و عدالت دور نشود و دشمنانش گر چه کوه و دشت را پر کنند، همگی گمراه و بر باطل باشند. (جرداق، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۱۴۰) پیامبر اکرم (ص) فرمود: «علی مع الحق والحق مع علی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۸، ص ۲۹؛ صدوق، ۱۴۱۷: ص ۱۵۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۹۷)

و در حدیث غدیر چنین می‌فرماید:

«فهو الذي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۴)

«او تنها کسی است که شما را به سوی حق رهبری می‌نماید و به حق عمل می‌کند و باطل را محو می‌سازد شما را از باطل باز می‌دارد و از ملامت، ملامت کنندگان در راه خدا بیمی ندارد.»

شاید این کلام پیامبر (ص) اشاره به این آیه شریفه قرآن داشته باشد که می‌فرماید:

«...أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس/۳۵)

«آیا آنکه به حق راه می‌نماید به متابعت سزاوارتر است یا آنکه به حق راه نمی‌نماید و خود نیازمند هدایت است؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه حکم می‌کنید؟»

امام علی (ع) درباره خود چنین می‌فرماید: «مَا شَكَّكْتُ فِي الْحَقِّ مَدَّ أُرَيْتَهُ» (نهج البلاغه/خ ۴) «از وقتی که حق بر من ارائه شده است در آن تردیدی نکرده‌ام.» علامه جعفری (ره) در مورد این کلام مولا (ع) می‌گوید:

«این جمله عظمتی دارد به عظمت جهان هستی! شک نکرده‌ام! خواهید فرمود خیلی‌ها با یقین و قطع، از دنیا می‌روند عمرشان در یقین و دگم غوطه‌ور است، بلکه غوطه‌ور است در یقین‌های ابتدایی و یقین‌های عبور نکرده از فراز و نشیب تردیدها و شک‌ها، اما کیست که هشیار باشد بر هستی و بر خود بتواند بگوید من اصلاً شک نکرده‌ام.» (فصلنامه پژوهشی نهج البلاغه، ۱۳۸۰: ش ۸ و ۷، ص ۲۱)

امام علی (ع) جدا کننده حق و باطل است و با باطل می‌ستیزد تا آنرا نابود سازد و رایت‌های حق و حقیقت را به اهتزاز درآورد. قرآن می‌فرماید: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/۸۱)

ابوذر می‌گوید از رسول خدا (ص) شنیدم که به علی (ع) فرمودند:

«أَنْتَ أَوْلَىٰ مَنْ آمَنَ بِي وَأَوْلَىٰ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنْتَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَأَنْتَ الْفَارُوقُ الَّذِي يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَأَنْتَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الْكَافِرِينَ وَأَنْتَ أَخِي وَوَزِيرِي وَخَيْرَ مَنْ أَتَرَكَ بَعْدِي وَتَنْجِزُ مَوْعِدِي» (ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۲۸)

«تویی نخستین کسی که به من ایمان آورد، تویی نخستین کسی که در روز قیامت دست به من دهد تویی صدیق اکبر و تویی کسی که میان حق و باطل را جدا می‌کند و تویی پناهگاه مؤمنان چنانچه مال پناهگاه

کافران است و تویی برادر و وزیر من و بهترین کسی که پس از خود به جای گزارم و تویی که به وعده من وفا خواهی کرد.»

امیرمؤمنان علی (ع) علت تسلط زورگویان و قدرتمداران بر گرده مردم را عدم یاری حق و خوار ساختن باطل می‌داند:

«إِيهَا النَّاسُ، لَوْلَمْ تَتَّخِذُوا عَنِ نَصْرِ الْحَقِّ وَلَمْ تَهْنُوا عَنْ تَوْهِينِ الْبَاطِلِ لَمْ يَطْمَعْ فِيكُمْ مَنْ لَيْسَ مِثْلَكُمْ وَلَمْ يَقْوِ مَنْ قَوَىٰ عَلَيْكُمْ» (نهج البلاغه/ خ ۱۶۶)

«ای مردم اگر یاری حق را فرو نمی‌گذاشتید، و از خوار ساختن باطل دست بر نمی‌داشتید، آن‌که به پایه شما نیست دیده طمع به شما نمی‌دوخت، و هیچ نیرومندی بر شما مهتری نمی‌فروخت.»

یکی از گرفتاری های بزرگ جهان اسلام وجود حاکمان و سردمداران خود باخته و خود فروخته است که مسلمانان را در چنگال خود اسیر کرده اند. امام (ع) در سخن فوق تأکید می‌کنند که اگر دست از یاری حق و خوار ساختن باطل بر نمی‌داشتید هرگز افراد دون پایه و پست بر شما حکومت نمی‌کردند.

همچنین امام علی (ع) در تأیید سخن پیامبر (ص) که می‌فرمایند: «فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ» خود را عامل به حق و پوینده راه آن معرفی می‌کند و از عرضه شدن حق بر خود هراسی ندارد زیرا معتقد است کسی که عرضه شدن حق بر او دشوار باشد عمل به آن برایش سخت‌تر خواهد بود:

«وَلَا تَطْنُوا بِي اسْتَشْقَالًا فِي حَقِّ قِيلَ لِي وَلَا التَّمَّاسَ اعْظَامَ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مَنْ اسْتَنْقَلَ الْحَقَّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلَ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ» (همان، خ ۱۱۶)

«و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید، و نخواهم مرا بزرگ انگارید، چه آن‌کس که شنیدن سخن حق بر او گران افتد و نمودن عدالت بر وی دشوار بود، کار به حق و عدالت کردن بر او دشوارتر است.»

ب) عدم مداهنه در راه حق

امام علی (ع) در راه حق مداهنه‌گر و سازشکار نیست و به خاطر مصلحت، دست از حق بر نمی‌دارد و به باطل نمی‌گردد بلکه همواره با باطل در ستیز است.

«لَكِنِّي أَضْرِبُ بِالْمُقْبِلِ إِلَى الْحَقِّ الْمُدْبِرِ عَنْهُ وَبِالسَّامِعِ الْمُطِيعِ الْعَاصِي الْمُرِيبِ أَبَدًا» (همان/خ ۶)

«من تا زنده‌ام به یاری جوینده حق، رویگردان از آنرا می‌زنم و با فرمانبر یکدل، نافرمان بددل را می‌کوبم.»

پیامبر اکرم (ص) در مورد امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ» از ملامت، ملامت کنندگان در راه خدا بیمی ندارد. «یعنی علی (ع) کسی است که در اجرای حق و عدالت جز به خدا نمی‌اندیشد و از سرزنش، سرزنش کنندگان در این راه باکی ندارد؟ زیرا هدف او فقط جلب خشنودی خدا است و نه رضای مخلوق.» (نقوی، ۱۳۷۴: ص ۱۶۴)

امام علی (ع) همواره رضای پروردگار را می‌طلبید و رضای مخلوق را بر رضایت الهی ترجیح نمی‌داد.

«وعلی بن ابیطالب اقام الصلوة و آتی الزکاة و هو راکع یرید اللہ عزوجل فی کل حال» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۲۷)

«و علی بن ابیطالب اقامه نماز نمود و در حال رکوع زکات داد و او در هر حال رضای پروردگار را می جوید.»
 امیرمؤمنان (ع) خطاب به مردم چنین می فرماید: «إِنِّي أُرِيدُكُمْ لِلَّهِ وَأَنْتُمْ تُرِيدُونَنِي لِأَنْفُسِكُمْ» (نهج البلاغه/ خ ۱۳۶)

من شما را برای او (خدا) می خواهم و شما مرا برای خود می خواهید.

«شما از من مقام و ثروت می خواهید، شما بردگان قدرت از من قدرت می خواهید من چه گویم و شما چه می گوید من در شما چه می بینم و شما در من چه می بینید مرا مانند سایر جباران عالم خیال کرده اید، به من گوید دورت را می گیریم به شرط اینکه به ما مقام بدهی به ما زمین و ثروت بدهی درحالیکه من شما را برای خدا می خواهم.» (فصلنامه پژوهشی نهج البلاغه، ۱۳۸۰ ش ۷ و ۸، ص ۲۳)

امام علی (ع) در خطبه قاصعه بر این سخن پیامبر (ص) صحه می گذارد که اهل مداهنه و سازش نیست:

«إِنِّي لَمِنْ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ سِيمَاهُمْ سِيمَا الصَّادِقِينَ وَكَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَبْرَارِ عُمَارُ اللَّيْلِ وَمَنَارُ النَّهَارِ مُتَمَسِّكُونَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ يُحْيُونَ سُنْنَ اللَّهِ وَسُنْنَ رَسُولِهِ لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَلَا يَغْلُونَ وَلَا يَغْلُونَ وَلَا يُفْسِدُونَ» (نهج البلاغه/ خ ۱۹۲)

«من از تبار کسانی هستم که در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری در آنها در نمی گیرد. چهره هاشان چهره راستگویان است و سخنانشان سخن نیکان، شب شان، شب شب زنده داران، روزشان روز پیشوایان به رشته محکم با تمام وجود چنگ زده اند سنت های خدا و پیامبرش را زنده می کنند نه تکبر می ورزند و نه برتری می جویند و نه فریبکاری و تباهی می نمایند دلهاشان به یاد بهشت و بدنهایشان وقف کار خیر است.»

پیامبر اکرم (ص) در فرازی دیگر از خطبه غدیر چنین می فرماید: «والعامل بما يرضاه والمحارب لاعدائه والموالي على طاعته» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۶) «عامل است به آنچه مورد رضای پروردگار است او با دشمنان قرآن به جنگ برمی خیزد و با آنهایی که پیرو قرآن هستند دوستی می نماید.»

امام علی (ع) در راه حق فقط رضایت الهی را خواستار است و سازشکار و اهل مصلحت بازی نیست به امر خدا با دشمنان حق به مبارزه برمی خیزد: «وَقَاتِلُ الْنَاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۶) «و به امر خداوند با عهدشکنان و ستمگران و آنهایی که از دین خارج شده اند جهاد می نماید.»

ج) قرآن محوری

امام علی (ع) از خردسالی و از آن هنگام که وحی الهی بر رسول الله اعظم (ص) باریدن گرفت در دامان مخاطب وحی بود و قرآن و نور وحی با پوست و خون و گوشت او آمیخته شد و مفتخر به تربیت قرآنی پیامبر اکرم (ص) گردید و این علوم سرشاری که بواسطه رسول اکرم (ص) در وجود او ذخیره شده بود به

مانند آبشارهای زلال و حیات بخش از چکاد وجود انسانی او به دامنه‌های خشک و بی‌حاصل مردمان فرو می‌ریخت و آنان را هدایت می‌کرد و حیات می‌بخشید. «ینحدر عنی السیل ولا یرقی الی الطیر» (نهج البلاغه/خ ۳) سیلها از من فرو می‌ریزد و پرنده را یارای پرواز به قله رفیع من نیست. لذا بعد از پیامبر بزرگ‌ترین و فقیه‌ترین مفسر قرآن مولا علی (علیه السلام) است. امیرمؤمنان علی (ع) درباره چگونگی آگاهی‌اش از قرآن و نزول آن چنین می‌فرماید:

«والله ما نزلت آیه الا فقد علمت فیما نزلت واین نزلت، ابلیل نزلت أم بنهار نزلت فی سهل أو جبل إن ربی ودمب لی قلباً عقولاً ولساناً سؤلاً» (مجلسی، ج ۴۰، ص ۱۵۷؛ بلاذری، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۹۹؛ امینی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۳۴۵)

به خدا سوگند هیچ آیه ای از قرآن نازل نشد جز اینکه من دانستم در چه موردی و کجا نازل شد، به شب یا روز، در دشت یا کوه نازل شد، برآستی پروردگار من قلبی فکور و زبانی پرسشگر به من بخشیده است. و به راستی چنین شخصی مفسر حقیقی قرآن است و به بواطن و لایه‌های عمیق آن آگاهی کامل دارد.

پیامبر اکرم (ص) در حدیث غدیر چنین می‌فرماید:

«فوالله لئن بین لكم زاوجره ولا یوضح لكم تفسیره الا الذی انا آخذ بیده ومصعده الی» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۵)

به خدا سوگند هرگز نواهی قرآن را بر شما روشن نمی‌نماید و تفسیر کتاب خدا را روشن و واضح نمی‌سازد؛ جز کسی که من دست او را گرفته‌ام و نزد خود قرار داده‌ام.

امام علی (ع) و اولاد طاهرین ایشان از قرآن جدایی‌ناپذیر و تأیید کننده و خبر دهنده از آن هستند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«إن عیناً والطیبین من ولدی هم الثقل الأصغر والقرآن النقل الأكبر فكل واحد منین عن صاحبه وموافق له لمن یقتیرقا حتی یردا علی الحوض» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۵)

ای مردم بدانید علی و پاکان از اولاد من ثقل اصغر و قرآن ثقل اکبر است و هرکدام از آنها خبر دهنده یکدیگرند و مطابقت با هم دارند و هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در قیامت بر من وارد شوند.

پیامبر گرامی اسلام در فرازی از حدیث غدیر طریق نورانی و شاهراه هدایت را روشن می‌نماید و از مردم می‌خواهد از نوری که با او نازل شده، یعنی قرآن کریم و اهل بیت معصومین (ع) که این نور بعد از او در طریق آنها است، تبعیت کنند.

«أمئوا بالله ورسوله والنور أنزل معه من قبل أن نطمس وجوهاً فنردّها علی أذبارها النور من الله عزوجل فی مسلوک ثم فی علی ثم فی النسل منه إلى القائم المهدی الذی یأخذ لحق الله وبکل حق هو لنا» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۷)

ای مردم به خدا و رسول او ایمان بیاورید و ایمان بیاورید به نوری که بر رسول او نازل شده پیش از آنکه به رویتان از اثر ضلالت خط محو و خذلان کشیم یا گونه‌ها را واژگون کنیم. نور مطلق از جانب خداوند عزوجل

است و آن نور در طریق من و بعد از من در طریق علی و بعد از او در طریق نسل او خواهد بود تا زمان حضرت قائم (ع) آن کسی که حق را آشکار نماید و حق از دست رفته ما را به ما باز گرداند.

این حدیث شامل بخشی از آیه قرآن است که می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكُتَابَ آمَنُوا بما نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَ دُمُومًا كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ الْبَيْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (نساء/آیه ۴۷)

هان! ای یهود و نصاری که کتاب آسمانی بر شما نازل شده ایمان‌آورید به کتابی که نازل کردیم و مصدق کتابی است که با شما است و گرنه دلها را از فطرت به سوی خلاف فطرت برمی‌گردانیم و از رحمت خود دور می‌سازیم آنچنان که اصحاب سبت را لعنت کردیم و امر خدا انجام شدنی است.

«معنای طمس وجوه عبارت است از این که خدای تعالی وجوه آن عده از اهل کتاب را که به قرآن ایمان نمی‌آورند به حالتی درآورد که صاحبانش به جای اینکه وجوه را به سوی مقاصدی متوجه کنند که سعادت زندگیشان را تأمین می‌سازد سعادت می‌سازد سعادت می‌سازد که از هر انسانی انتظار می‌رود به آن برسد، به سوی ضد آن مقاصد متوجه سازند پس طمس وجود به معنای محو کردن و نابود کردن وجوه و بطلان آثار آن نیست بلکه محوی است که باعث دور شدن از مقصد، و یا بگو برگشتن به عقب خواهد بود، پس این وجوه بر حسب فطرت بشری که دارد مقاصدی را که هر انسانی باید به آن برسد و انتظار می‌رود که به آن برسد دنبال می‌کنند ولیکن از آنجا که با لعنت خدا رو به پشت قرار گرفته‌اند، جز دور شدن از آن مقاصد را دنبال نمی‌کنند، و جز به قهقرا پیش نمی‌روند. و چنین انسانی با اینکه بالطبع و بالفطره متوجه به سوی چیزی است که آنرا برای خود خیر و سعادت می‌داند اما به طرف هر مقصدی می‌رود که آن را برای خود خیر و برای دین و دنیای خود صلاح می‌داند، جز شر و فساد نمی‌بیند و هر چه بیشتر جلو برود بیشتر از سعادت عقب می‌افتد و در نتیجه ابداً روی صلاح و فلاح را نمی‌بیند.» (طباطبایی، ج ۴، ص ۵۸۴)

پیامبر اکرم (ص) در این بخش از حدیث عدم پیروی از نوری که مطلق آن مخصوص خدا و پس از آن رسول او و وصی پیامبر (ص) می‌باشد را سبب طمس وجوه، ندیدن روی فلاح و صلاح و زایش شر و فساد و بازگشت به قهقرا می‌داند.

از امام صادق (ع) نقل شده که می‌فرماید:

«علی (ع) پیش از رسالت پیامبر اسلام (ص) همراه آن حضرت نور نبوت را می‌دید و صدای فرشته را می‌شنید پیامبر اسلام به او فرمود: اگر من خاتم پیامبران نبودم تو شایستگی مقام نبوت داشتی، تو وصی و وارث من، سرور اوصیاء و پیشوای پرهیزکاران هستی» (قندوزی، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۲۳۹؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ص ۱۲)

تنها صاحب سر پیامبر (ص) می‌تواند مفسر عظیم قرآن و دعوت کننده به آن باشد کسی که با آن حضرت مجالس خصوصی داشته است و از بواطن و معانی دقیق و عمیق قرآنی از مربی خود سؤال می‌کرده «إِنَّ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا ولساناً سؤلاً» (مجلسی، ج ۴۰، ص ۱۵۷؛ امینی، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۴۴؛ هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۳،

ص ۱۲۸) و هر وقت او نمی‌پرسید پیامبر (ص) خود آغاز به سخن می‌کرد و او را از معارف ناب سیراب می‌نمود.

پیامبر اکرم می‌فرماید: «وَحَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالِدَاعِي إِلَيْهِ» (طبرسی، طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۶)

و جانشین من بر امت من و مفسر کتاب خداوند عزوجل می‌باشد، او کسی است که شما را به قرآن دعوت می‌نماید. ابن ابی الحدید معتزلی در مورد مجالس خصوصی پیامبر (ص) با امیرالمؤمنین چنین می‌گوید:

«بدان که امیرالمؤمنین میان آنها مطلع نمی‌شد و خود علی (ع) نیز از معانی قرآن و معنای سخنان آنحضرت از وی زیاد سؤال می‌کرد و اگر هم نمی‌پرسید خود رسول خدا (ص) آغاز سخن برای او کرده و او را به تعلیم و فرا گرفتن علم ممتاز نموده بود و هیچ‌یک از اصحاب رسول خدا اینگونه نبودند.» (معتزلی، ج ۱۱، ص ۴۸)

امیرمؤمنان (ع) در باره رابطه خود با قرآن، خطاب به خوارج آنگاه که به سوی اردوگاهشان به راه می‌افتد می‌فرماید:

«إِنَّ الْكِتَابَ لَمَعَى مَا فَارَقْتَهُ مُذْ صَحَبْتُهُ» (نهج البلاغه/ خ ۱۲۲) چه، قرآن با من است، از آن هنگام که یار آن گشتم، از آن جدا نبودم.

امیرمؤمنان (ع) خود را راسخ در علم تأویل قرآن معرفی می‌کند:

«... وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...» (آل عمران/ آیه ۷) و کسانی را که به غیر ایشان نسبت تأویل قرآن می‌دهند، دروغگو و ستمگر می‌داند:

«أَيْنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمْ فِي الْعِلْمِ دُونَنا، كَذِبًا وَبَغْيًا عَلَيْنَا أَنْ رَفَعْنَا اللَّهُ وَوَضَعَهُمْ وَأَعْطَانَا وَحَرَمَهُمْ وَأَدْخَلْنَا وَأَخْرَجَهُمْ» (نهج البلاغه/ خ ۱۴۴)

کجايند کسانی که پنداشتند آنان - نه ما - دانایان علم قرآن‌اند به دروغ و ستمی که بر ما می‌رانند خدا ما را بالا برده و آنان را فرو گذاشته، به ما عطا کرده و آنان را محروم داشته ما را در - حوزه عنایت خود - در آورد و آنان را از آن بیرون کرد.

امام علی (ع) پس از رحلت نبی مکرم اسلام (ص) و انتخاب ابوبکر خطاب به گروه مهاجر و انصار می‌فرماید آیا آشنای به علم قرآن و فقیه در دین خدا و آشنای به امور مردم در میان شما است یا در میان ما؟

«ای گروه مهاجر و انصار از خدا پروا کنید! از خدا پروا کنید! عهد پیامبرتان را در مورد من از یاد ببرید و قدرت محمد (ص) را از خانه و درون منزلش بیرون و به سوی خانه‌هایتان و به درون منازلتان ببرید و خاندانش را از حق و جایگاهشان در میان مردم بازمدارید به خدا سوگند ای جماعت! خداوند مقدر کرد و حکم راند و پیامبرش می‌دانست و شما هم می‌دانید که ما اهل بیت از شما به این امر سزاوارتریم آیا قاری کتاب خدا و فقیه در دین خدا و نیرومند در کار مردم در میان شما است؟ به خدا سوگند چنین کسی در میان

ما است و نه شما پس از هوا و هوس پیروی نکنید که از حق دورتر می‌شوید و سابقه خود را با بدی اکنونتان تباہ می‌سازید.» (ری شهری، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۳۱۹؛ طبری، ۱۴۱۵: ص ۳۷۵)

بر اساس روایت نبوی امیرمؤمنان (ع) جهادگر مسیر تأویل قرآن است آنچنانکه خود پیامبر (ص) بر سر تنزیل آن به مبارزه پرداخت. از امام علی (ع) نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يُقَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلَتْ عَلِيَّ تَنْزِيلَهُ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: أَنَا؟ قَالَ: لَا، قَالَ عُمَرُ: فَأَنَا؟ قَالَ: لَا وَلَكِنْ خَاصَفَ النَّعْلَ - يَعْنِي عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۱۲؛ صدوق، ۱۴۰۳: ص ۲۷۵؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۴، ص ۱۱۶؛ ابن حنبل، ج ۳، ص ۲۳؛ مغازلی، ۱۴۲۶: ص ۶۶)

از میان شما کسی است که بر سر تأویل قرآن به مبارزه می‌پردازد آنچنانکه من بر سر تنزیل آن مبارزه کردم، ابوبکر گفت: من؟ فرمود: نه عمر گفت: من؟ فرمود: نه او کسی است که کفش را پینه می‌زند یعنی امیرمؤمنان علی (ع).

(د) هدایتگری

«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس/آیه ۳۵)

آیا آنکه به حق راه می‌نماید به متابعت سزاوارتر است یا آنکه به حق راه نمی‌نماید و خود نیازمند هدایت است؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه حکم می‌کنید؟

بر طبق این آیه شریفه قرآن رهبران و هدایتگران جوامع انسانی و اسلامی، باید هدایت یافته و راه یافته باشند. اگر چنین نباشد نه تنها خود در گمراهی و ضلالت می‌لولند بلکه انسان‌ها را به تباہی و گمراهی می‌کشند و به قهقرا می‌برند. هدایت انسان، باید به عهده کسانی باشد که خود در اوج هدایت باشند آنچنان که اگر تمام پرده‌ها کنار زده شود برایمان و یقین آنان افزوده نشود اینچنین انسان‌هایی می‌توانند چراغ هدایت و کشتی نجات سایر انسان‌ها باشند که خود از تلاطم امواج سهمگین ضلالت و تاریکی رهایی یافته باشند و به سرزمین نور رسیده باشند.

پیامبر گرامی اسلام در فرازی از حدیث غدیر امیرالمؤمنین علی (ع) را هدایت‌گر واقعی معرفی می‌کند: «أَلَا وَإِنِّي مَنذَرٌ عَلَىٰ هَادٍ» (طبرسی، طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۸۰) ای مردم بدانید من ترساننده هستم و علی (ع) راهنما است.

شاید این حدیث تأویل این آیه قرآن باشد که، می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مَنذَرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد/ آیه ۷) تو فقط هشدار دهنده‌ای و هر قومی هدایتگری دارد.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ أَنَّهُ عَلِيٌّ عَبْدُكَ الْهَادِي مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمَنذَرِ، وَصِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمِ، وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ وَحِجَّتِكَ الْبَالِغَةِ» (ری شهری، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۲۳۰)

«خدایا! ما گواهی می‌دهیم که علی (ع) بنده هدایتگر تو است، پس از پیامبر بیم دهنده‌ات و هشدار دهنده‌ات، و نیز راه راست تو، امیرمؤمنان، پیشوای سپید رویان و حجت‌رسانی تو است.»

امام علی (ع) هم، خود را راهنمای پویندگان راه هدایت و صراط مستقیم الهی معرفی می‌کند: «بِنَا يُسْتَعْتَبُ الْهُدَىٰ وَيُسْتَجَلَىٰ الْعَمَىٰ» (نهج البلاغه/خ ۱۴۴) راه هدایت را با راهنمایی ما می‌پویند و روشنی دل‌های کور را از ما می‌جویند.

همچنین امام نتایج هدایت‌گری خود را رها ساختن انسان‌ها از تاریکی‌های جهالت و رساندن آنان به قله‌های پیشرفت و سعادت می‌داند.

«بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلُمَاءِ وَتَسَنَّمْتُمْ فُرُوقَ الْعَلْبَاءِ وَبِنَا افْجَرْتُمْ عَنِ السَّرَابِ» (همان/خ ۴) ای مردم بوسیله ما از تاریکی‌های جهالت و گمراهی هدایت شدید و به کمک ما به اوج ترقی رسیدید و صبح سعادت شما در پرتو وجود ما درخشیدن گرفت.

پیامبر اکرم (ص) هدایتگران به حق را بعد از خود امیرالمؤمنین و اولاد طاهرین ایشان معرفی می‌کند:

«معاشر الناس: أنا صراط الله المستقيم الذي أمركم باتباعه ثم علي من بعدى ثم ولدي من صلبه أئمة يهدون بالحق وبه يعدلون» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۸) ای مردم من صراط مستقیم الهی در میان خلائق هستم که شما را به پیروی از فرمان خدا امر می‌کنم و بعد از من علی صراط مستقیم خداوند می‌باشد و بعد از علی فرزندان من از صلب او پیشوایان امت‌اند و مردم را به پیروی از فرمان خداوند دعوت نموده و در طریق حق راهنمایی می‌نمایند.

«خليفة رسول الله و امير المؤمنين و الامام الهادي» (همان، ص ۷۶) او جانشین رسول خدا و امیرمؤمنان و راهنمای مردم است.

ابن عباس روایتی را از قول امیرالمؤمنین بیان می‌کند که در آن امام (ع) خود را چه در زمان حضور پیامبر (ص) و چه بعد از آن هدایت یافته می‌داند.

«أن علياً كان يقول في حياة رسول (ص): إن الله يقول: «أفأين مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم ومن ينقلب» (آل عمران/۱۴۴) والله لا نقلب على أعقابنا بعد إذ هدانا الله، والله لئن مات أو قتل لا قاتلن على ما قاتل عليه حتى مات والله إني لأخوه ووليه ووارثه وابن عمه ومن أحق به مني؟» (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۵۰۲؛ مجلسی، ج ۲۹، ص ۴۲۴)

«از ابن عباس روایت شده که علی (ع) در زمان رسول خدا (ص) می‌فرمود: خداوند می‌فرماید: «آیا اگر او بمیرد یا کشته شود [از پیروی او و عقیده خود] باز می‌گردید؟ و هرکس که باز گردد هرگز به خداوند زیانی نمی‌رساند» به خدا سوگند ما از عقیده خود، باز نمی‌گردیم بعد از اینکه خدا ما را هدایت کرد. به خدا سوگند اگر بمیرد یا کشته شود با آنچه او مبارزه کرد مبارزه خواهیم کردیم تا اینکه بمیریم و به خدا سوگند من برادر او، جانشین و وارث و پسر عم او هستم و چه کسی از من به او سزاوتر است؟»

امام علی (ع) تنها کسی است که بعد از پیامبر (ص) حق ولایت و سرپرستی امت را دارد.

پیامبر اکرم در حدیث غدیر می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَاِمَامًا مَفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَعَلَى الْبَادِيِّ وَالْحَاضِرِ وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ، مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَمَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَاطَّلَعَ لَهُ.» (طبرسی، طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۴)

«ای مردم آگاه باشید که خداوند علی را سرپرست و پیشوا بر شما قرار داده است و به این سمت منصوب نموده است و اطاعت او را بر مهاجر و انصار و همه مردم واجب فرموده است، شهری و بیابانی، آعجم و عرب، بنده و آزاد، کوچک و بزرگ سفید و سیاه، هر که خطر را می‌پرستد باید فرمان علی را اطاعت کند و گفتار او را تصدیق نماید و امر او را انجام دهد محروم از رحمت حق است کسی که مخالفت با او کند مشمول رحمت پروردگار است کسی که از او پیروی نماید با ایمان است کسی که او را تصدیق نماید غفران الهی برای او و برای کسانی است که از او اطاعت کنند.»

امام علی (ع) سرپیچی از ولایت خود و ناخوش داشتن آنرا توسط قریش امری شگفت‌آور معرفی می‌کند. بدین دلیل که ویژگی‌های ولی و سرپرست امت یعنی علم به قرآن و بواطن نهفته در آن، علم به سنت واقعی و پایبندی به دین واقعی را فقط در خود می‌یابد.

«این امری شگفت‌آور است و ولایت هیچ یک از خود را به سان ولایت من ناخوش نمی‌داشتند آنان احتجاج مرا با ابوبکر می‌شنیدند که می‌گفتم: «ای گروه قریش من از شما به این کار سزاوارترم در میان شما کسی نیست که قرآن را بخواند و سنت را بداند و به دین واقعی پایبند باشد حجت‌م این است که من ولی این امرم نه قریش پیامبر خدا (ص) فرمود: «الولاء لمن أعتق» حق سرپرستی از آن آزاد کننده است و پیامبر خدا برای رها ساختن از آتش آمد و از بردگی رهایی بخشید سپس سرپرستی و ولایت این امت، از آن اوست و پس از او آنچه از آن اوست، برای من است پس هر برتری که قریش به خاطر پیامبر (ص) بر امت داشته باشد به همان سبب بنی‌هاشم بر قریش دارد و من هم بر بنی‌هاشم دارم چون پیامبر در روز غدیر خم فرمود: «هر که من مولای اویم این علی مولای اوست.» جز آنکه قریش برتری خویش را بر عرب و جز بر پیامبر (ص) ادعا کند که در این ادعا آزاد است.» (سید بن طاووس، ۱۳۷۰: ص ۱۷۸؛ ری شهری، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۳۲۰)

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/آیه ۵۵)

پیامبر اکرم در فرازی از خطبه غدیر «الذین آمنوا» را در این آیه، تفسیر کرده‌اند:

«فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَالْهُكُّمُ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ وَرَسُولُهُ مُحَمَّدٌ (ص) وَلِيكُمْ الْقَائِمُ الْمَخَاطِبُ لَكُمْ ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَرَسُولَهُ» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۴)

خداوند عزوجل آفریننده و ولی نعمت و معبود شما است و بعد از خداوند رسولش محمد (ص) سرپرست شما است که هم اکنون مخاطب با شما می‌باشد و بعد از من علی سرپرست شما است که به امر پروردگارتان به این سمت منصوب شده است و بعد از علی پیشوایی امت در اولادش که فرزندان من از نسل او هستند خواهد بود و تا روز قیامت حجت خدا بر خلق می‌باشند روزی که خدا و رسول او را ملاقات می‌کنید.

پیامبر اکرم (ص) در روایتی که انس بن مالک نقل می‌کند علی بن ابیطالب (ع) را پیشوای دوستان و رهبر همه فرمانبران از خود معرفی می‌کند:

«إِنَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ عَهْدَ فِي عَلِيٍّ إِلَىٰ عَهْدِ أَنَّهُ رَايَهُ الْهُدَىٰ وَمَنَارُ الْإِيمَانِ وَإِمَامُ أَوْلِيَائِي وَنُورٌ جَمِيعٍ مِّنْ أَمَلَا عَنِي إِنَّ عَلِيًّا أَمِينِي غَدَاً فِي الْقِيَامَةِ وَصَاحِبَ رَايَتِي، بَيَدِ عَلِيٍّ مِفْتَاحُ خَزَائِنِ رَحْمَةِ رَبِّي.» (مجلسی، ج ۳۷، ص ۲۰۷؛ بحرانی، ج ۲، ص ۲۳۱؛ سید بن طاووس، ۱۴۱۳: ص ۵۸۱)

و) تربیت یافته مکتب نبوی

امام علی (ع) تربیت یافته رسول الله اعظم (ص) است و جلوه تام اخلاق نبوی است، پیامبر (ص) و مکتب وحی این افتخار را دارد که شاگردی مانند علی بن ابیطالب (ع) تربیت کرده است.

امام خمینی (ره) درباره این تربیت یافته مکتب نبوی چنین می‌گوید:

«کدام شخصیت است که می‌تواند ادعا بکند از خردسالی تا آخر عمر رسول اکرم (ص) در دامان و پناه و تحت تربیت وحی و حامل آن بوده است جز علی بن ابیطالب (ع) که وحی و تربیت صاحب وحی در اعماق روح و جان او ریشه دوانیده است پس او به حق عبدالله است و پرورش یافته عبد الله اعظم است.» (فصلنامه پژوهشی نهج البلاغه، ۱۳۸۰: ش اول، ص ۱۱)

پیامبر اکرم (ص) این تربیت را همه جانبه و کامل معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

«مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَكُلِّ عِلْمٍ عَلَّمْتُمْ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۴)

«ای مردم هیچ علمتی نیست مگر آنکه خداوند به من آموخت و هر دانشی که به من آموخته شد من آنرا به علی پیشوای پرهیزکاران آموختم و دیگر دانشی نیست، مگر آنکه به علی تعلیم کرده‌ام او پیشوای بزرگ و آشکار شما است.»

امام علی (علیه السلام) آگاهی کامل نسبت به امر و نهی و حلال و حرام الهی دارد زیرا که پیامبر (ص) تمام این امور را بطور کامل به او تعلیم فرموده و او را به پیروی از آن فراخوانده است لذا طبق فرمایش امام راحل

(ره) تربیت صاحب وحی در اعماق روح و جان او ریشه دوانده است و این چنین شخصیتی است که بعد از پیامبر (ص) شایستگی پیروی و تبعیت را دارد.

«معاشر الناس: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا، وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْتَدُّوا وَصَبِرُوا إِلَىٰ مَرَادِهِ وَلَا يَتَفَرَّقُ بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۸)

«ای مردم! خداوند به من امر و نهی فرموده و من به علی امر و نهی فرمودم و علی به آنچه خداوند عزوجل به من امر و نهی فرموده آگاه شد پس بشنوید فرمان او را تا از غضب خداوند ایمان شوید و اطاعت کنید امر او را تا رستگار شوید و از نهی او احتراز کنید تا سعادتمند گردید و به میل او عمل نمایید و راه خود را از او جدا نسازید.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

«لَا حِلَّ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۴)

حلالی نیست مگر آنچه را خداوند حلال کرده است و حرامی نیست مگر آنچه را که خداوند حرام کرده است و آنچه را خداوند از حلال و حرام به من تعلیم فرموده و من نیز تمام آنچه خداوند از کتاب خود و حلال و حرامش تعلیم نموده است همه را به علی آموختم.

امام علی (ع) در خطبه قاصعه نهج البلاغه تأکید می‌کند، که همواره تحت تعلیم و تربیت پیامبر (ص) بوده، و پیامبر (ص) هر روز پرچمی از اخلاق، چه با رفتار و چه با گفتار برمی‌افراشت و ایشان را به پیروی از آن فرا می‌خواند. بنابراین امیرمؤمنان (ع) جلوه تام و کامل خلق عظیم پیامبر (ص) است. «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ» (قلم / آیه ۴) و اخلاق نبوی در سیره علوی به ظهور رسیده است.

«وَلَقَدْ عَلَّمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِالْقَرَابَةِ الْقَرِيبَةِ وَالْمَنْزِلَةَ الْخَصِيصَةَ وَصَعَنِي وَجَعَدَهُ وَأَنَا وَلَدٌ يَضْمُنِي إِلَىٰ صَدْرِهِ وَيَكْتُمُنِي فِي فَرَاشِهِ وَيَمْسُنِي جَسَدَهُ وَيُسْمِنِي عَرَفَهُ وَكَانَ يَمَغُضُ الشَّيْءَ ثُمَّ يَلْقَمُنِيهِ وَمَا وَجَدَ لِي كَذِبَةً فِي قَوْلٍ وَلَا خَطْلَةً فِي فِعْلٍ وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ (ص) مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيمًا أَعْظَمُ مَلِكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَمَحَاسِنِ اخْتِلاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ وَلَقَدْ كُنْتُ أَتْبَعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرُ أُمَّهِ يَرْفَعُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالْاِقْتِدَاءِ بِهِ» (نهج البلاغه/خ ۱۹۲)

«شما می‌دانید مرا نزد رسول خدا چه رتبت است و خویشاوندیم با او در چه نسبت است آنگاه که کودک بودم مرا در کنار خود نهاد و بر سینه خویشم جا داد و مرا در بستر خود می‌خوابانید چنانکه تنم را به تن خود می‌سود و بوی خوش خود را به من می‌بویاند و گاه بود که چیزی را می‌جوید، سپس آنرا به من می‌خورانید از من دروغی در گفتار نشنید و خطایی در کردار ندید. هنگامی که از شیر گرفته شد خدا بزرگترین فرشته از فرشتگانش را شب و روز همنشین او فرمود، تا راههای بزرگواری را پیمود و خوبیهای نیکوی جهان را فراهم

نمود. و من در پی او بودم در سفر و در حضر - چنانچه شتر بچه در پی مادر - هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای برپا می‌داشت و مرا به پیروی آن می‌گماشت.»

به این سبب است که امام می‌تواند بفرماید:

«نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَمِحْطُ الرِّسَالَةِ وَمَخْتَلَفُ المَلَائِكَةِ وَمَعَادِنُ العِلْمِ وَيُنَابِعُ الحُكْمِ نَاصِرُنَا وَمُجِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرِّحْمَةَ وَعَدُونَا وَمُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السُّطُوَّةَ» (نهج البلاغه / خ ۱۵۹)

«ما درخت نبوتیم و جایگاه رسالت و مرکز رفت و آمد فرشتگان و معدن دانش و خیمه‌سارهای حکمتیم، یاور و دوستدار ما رحمت حق را منتظر است و بدخواه ما در انتظار مجازات است.»

همچنین می‌فرماید:

«نَحْنُ الشِّعَارُ وَالاصْحَابُ وَالخَزَنَةُ وَالْأَبْوَابُ وَلَا تُؤْتَى البُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا» (نهج البلاغه / خ ۱۵۴)

«ما خاصگان و یاران و گنجوران نبوت و درهای رسالتیم به خانه‌ها جز از درهای آن نتوان وارد شد.»

و این قرابت و نزدیکی مولا امیرالمؤمنین (ع) با رسول گرامی اسلام (ص) به جایی می‌رسد که صدای فرشته وحی و صدای ناله شیطان را می‌شنود و او هم هر آنچه پیامبر (ص) دیده و شنیده درک می‌کند.

«وَلَقَدْ كَانَ يَجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بَحْرَاءَ فَأَدَاهُ وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي.... وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الوَحْيِ عَلَيْهِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّنَّةُ؟ فَقَالَ: هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ أَيَّسَ مِنْ عِبَادَتِهِ إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَتَرَى مَا أَرَى إِلَّا إِنَّكَ لَسْتُ بِنَبِيٍّ وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٍ وَأَنْتَ لَعَلَى خَيْرٍ.» (نهج البلاغه / خ ۱۹۲)

پیامبر (ص) هر سال در کوه حراء به عبادت می‌پرداخت و جز من کسی او را نمی‌دید... هنگامی که وحی بر آن حضرت نازل شد صدای ناله شیطان را شنیدم به رسول خدا عرض کردم این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است. و علت ناله‌اش این است که او از اینکه در روی زمین اطاعت شود نا امید گشته است. آنچه را من می‌شنوم تو نیز می‌شنوی و آنچه را می‌بینم تو نیز می‌بینی جز اینکه تو پیامبر نیستی بلکه وزیر من و بر خیر و نیکی هستی.»

ز) یاری کننده و احیاگر دین الهی

« وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ » (بقره / آیه ۲۰۸)

«و از مردم کسی است که جان خود را در طلب رضایت خداوند به معرض فروش می‌نهد و خداوند به بندگانش مهربان است.»

امام علی (ع) از آغاز رسالت پیامبر (ص) با پیشتازی در ایمان به خدا و رسول او برادری خود را اثبات کرد و بر پایه این ایمان راسخ که وام‌دار تربیت نبوی بود تا پای جان برای حفظ مکتب وحی فداکاری و جانبازی کرد.

پیامبر اکرم (ص) در حدیث غدیر می‌فرماید:

«ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَهُوَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۴)

«علی (ع) اول کسی است که به خدا و رسول او ایمان آورد و برای حفظ جان رسول خدا جانبازی کرد.»

امام علی (ع) در فرازی از خطبه قاصعه می‌فرماید:

«وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَخَدِيجَةَ وَأَنَا ثَالِثُهُمَا» (نهج البلاغه/خ ۱۹۲)

«آن هنگام جز خانه‌ای که رسول خدا (ص) و خدیجه در آن بودن در هیچ خانه‌ای مسلمانی راه نیافته بود من سومین آنان بودم.»

الامالی به نقل از انس چنین روایت می‌کند:

«چون پیامبر خدا با ابوبکر به سوی غار رفتند پیامبر (ص) به علی (ع) فرمان داد تا در بسترش بخوابد و روانداز حضرت را به روی خود بکشد. پس علی (ع) با آمادگی برای کشته شدن خوابید و مردانی از خاندان‌های مختلف قریش به اراده کشتن پیامبر خدا آمدند و چون خواستند شمشیرهایشان را به روی او بکشند شک نداشتند که وی محمد (ص) است اما گفتند بیدارش کنید تا درد کشتن را بچشد و ببیند چگونه شمشیرها او را در برمی‌گیرند. پس چون بیدارش کردند و دیدند علی (ع) است رهایش کردند و بدنبال پیامبر خدا پراکنده شدند.» (ری شهری، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۱۶۹؛ طوسی، ۱۴۱۴: ص ۴۴۷)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا كُنْتُمْ تَتَّخِذُونَ الْمُضَلِّينَ عَضُدًا» (کهف / آیه ۵۱) «من گمراهان را یاور خود نمی‌گیریم.»

رسول گرامی اسلام (ص) هم تأکید می‌ورزد که یاری‌گر دین الهی و جدال‌کننده از طرف رسول باید باتقوا، هدایت شده، هدایت‌گر و یاور خدا و رسول او باشد و این خصوصیات به طور کامل و جامع در امیرمؤمنان علی (ع) جمع است.

«هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمَجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَبَنُوهُ خَيْرُ الْاَوْصِيَاءِ» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۶)

«او یاری‌کننده دین خدا و جدال‌کننده از جانب رسول خدا است او پرهیزکار و راهنما و راه یافته است. پیغمبر شما بهترین پیغمبران و جانشین او بهترین جانشینان و فرزندان او بهترین جانشینان می‌باشند.»

همچنین می‌فرماید:

«هَذَا عَلِيُّ أَنْصَدَكُمْ لِي وَأَحْفَكُمْ بِي وَأَقْرَبَكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزَّ وَأَعَدَّكُمْ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَان.» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۶)

«این علی (ع) بهتر از شما مرا یاری می‌کند و از شما نزد من سزاوتر است و نزدیک‌تر و عزیزتر است و خداوند عزوجل و من از او راضی هستیم.»

امام علی (ع) دوران رسالت پیامبر (ص) در جنگ‌ها و صلح‌ها، در هجرت از مکه به مدینه در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها در سختی‌ها و مشکلات، یاور پیامبر (ص) و دین الهی بود و جز رضایت الهی را نمی‌خواست.

بعد از پیامبر (ص) نیز یکه‌تاز میدان نصرت دین الهی بود با سکوتش در ماجرای سقیفه به خاطر حفظ دین خدا و وحدت مسلمین، با بیعتش با غاصبان خلافت و بدست‌گیری زمام امور مسلمین بعد از بیست و پنج سال خانه‌نشینی و چهار سال و نه ماه، دوران حکومتش نشان داد کسی نظیر او توان یاری دین الهی را ندارد.

پیامبر اکرم (ص) امام علی (ع) را روشن‌کننده احکام و فرامین دین الهی که بوسیله بدعت‌گذاران بدست فراموشی سپرده شده بود می‌داند.

«معاشر الناس: أقيموا الصلوة وأتوا الزكاة كما أمركم الله عزوجل ولئن حلال عليكم الأمد فقصرتم أو نسيتم فعلي وليكم ومبين لكم الذي نصبه الله الذي عزوجل بعدى ومن خلفه الله مني وأنا منه يخبركم بما تسألون عنه ويبين لكم ما لا تعلمون» (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۸۱)

«ای مردم نماز به پای دارید و زکات دهید و آنچنان که خداوند تبارک و تعالی دستور فرموده است و اگر هر آینه مدت زمانی گذشت و شما در انجام فرامین الهی کوتاهی کردید و یا احکام را فراموش نمودید، سپس علی پیشوا و روشن‌کننده احکام الهی بر شما است خداوند عزوجل او را به این سمت بعد از من منصوب کرد و خداوند او را مانند من آفریده هرچه از او سؤال نمایید به شما پاسخ می‌دهد و بر شما آنچه را نمی‌دانید بیان می‌کند.»

نتیجه‌گیری

بررسی سیره پیشوایان بزرگ اسلام در پی عمل به آن، ما را در رسیدن به اهداف بلند و آرمان‌های الهی آنان یاری می‌کند. در این نوشته سعی شده است مهم‌ترین اصول سیره امیر مؤمنان علی (ع)، از نگاه پیامبر اکرم (ص) در خطابه غدیر بررسی و مدلی ارائه کند تا بر اساس آن بتوان بخشی از مشکلات روزافزون جامعه اسلامی را برطرف کرد. آموزه‌های نبوی و به تبع آن سیره ائمه طاهرين (عليهم السلام) اگر به دقت مورد بازبینی قرار گیرد دارای اصول اساسی برای زندگی این جهانی و آن جهانی ما است.

۱. ابن بطریق، عمدۀ عیون صحاح الاخبار فی مناقب إمام الأبرار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل أیطالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
۳. ابن مغزلی، مناقب علی بن أیطالب (ع)، قم: انتشارات سبب النبی (ص)، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۴. احمد بن حنبل، مسند، بیروت: دارصادر.
۵. امین سید محسن، أعیان الشیعه، محقق: حسن الامین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۸۸۱ق.
۶. بحرانی سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثت.
۷. بلاذری أحمد بن یحیی بن جابر، أنساب الأشراف، محقق: محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۳۹۴ق.
۸. جرداق جورج، امام علی صدای عدالت انسانی، مترجم: سید هادی خسرو شاهی، تهران: انتشارات کلبه شروق و نشر سماط، چاپ دهم، ۱۳۷۹ش.
۹. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، محقق: علی اکبر غفاری، قم: موسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ریشه‌ری محمد، موسوعه الإمام علی بن أبی طالب (ع) فی الكتاب والسنة و التاريخ، تحقیق: مرکز دارالحدیث با همکاری سید محمد کاظم طباطبائی و سید محمود طباطبائی نژاد، قم: دارالحدیث للطباعه و النشر، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
۱۱. ریشه‌ری محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۲. سید بن طاووس، التحصین، قم: مؤسسه دارالکتاب جزایری، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۳. سید بن طاووس، کشف المحججه لثمره المهججه، نجف: المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۰ق.
۱۴. شیخ حرّ عاملی محمد بن الحسن، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهما السلام لإحياء التراث ۱۰۳۳ق.
۱۵. شیخ صدوق، امالی، قم: مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۶. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، محقق: شیخ حسین الاعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۷. شیخ صدوق، خصال، محقق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۱۸. شیخ طبرسی، الاحتجاج، محقق: سید محمد باقر خراسان، نجف: دارالنعمان للطباعه و النشر، ۱۳۸۶ق.
۱۹. شیخ طوسی، أمالی، تحقیق: موسسه بعثت، قم: دارالتقافه للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

۲۰. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، محقق: سیدحسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۲۱. طباطبائی سید محمد حسین، تفسیرالمیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طبری (شیعی) محمد بن جریر، المسترشد، محقق: احمد محمودی، قم: مؤسسه الثقافه الإسلامیه لکوشانپور، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲۳. آمینی نجفی عبدالحسین، الغدير فی الكتاب والسنة والأدب، الغدير، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق.
۲۴. فصلنامه پژوهشهای نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، مدیر مسئول سید جمال الدین دین پرور، پاییز ۱۳۸۰ شماره ۱.
۲۵. فولادوند محمد مهدی، قرآن مجید، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۲۶. قندوزی، ینابیع الموده لذوی القربی، محقق: سید علی جمال اشرف حسینی، قم: دارالأسوه للطباعه والنشر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۲۷. کلینی محمد بن یعقوب، کافی، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.
۲۸. کوفی محمد بن سلیمان، مناقب الامام امیرالمؤمنین (ع)، محقق: محمد باقر محمودی، قم: مجمع إحياء الثقافه الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۹. مجلسی محمد باقر، بحار الأنوار، محقق: یحیی عابدی زنجانی و سید کاظم موسوی میاموی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۰. معتزلی ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، محقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، قم: مؤسسه إسماعیلی ان للطباعه و النشر و التوزيع.
۳۱. موسوی ابوالحسن محمد بن الحسین شریف رضی، نهج البلاغه، محقق دکتر صبحی صالح، قم، افست منشورات دارالهجره.
۳۲. موسوی خمینی سید روح الله، صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۳۳. نقوی سید محمد تقی، شرح و تفسیر خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، مقدمه: مهدی جعفری، تهران: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی جلیل، ۱۳۷۴ش.
۳۴. هندی المتقی، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، محقق: شیخ بکری حیانی، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.